



## جامعه و جنگ

در جهان امروز جنگ میان کشورها به مناطق جنگی محدود نمی شود. جنگ های مدرن تفاوت های اساسی با جنگ های سنتی دارند. جنگ های مدرن هر چقدر هم محدود باشند، به حدی گسترده هستند که اغلب ابعاد حیات اجتماعی شهروندان را تحت تأثیر قرار دهند. تأثیرگذاری این جنگ ها متأثر از چند عامل است: نخست اینکه پیشرفت های فنی و تسلیحاتی موجب افزایش برد حملات، و افزایش تلفات و خسارات جنگ شده است. جنگ دیگر به مناطق جنگی محدود نمی شود. در جنگ های امروزس شهرها هدف حملات هوایی و موشکی واقع شده و زندگی عادی مردم در خطر قرار می گیرد.

دوم اینکه جنگ های صرفاً جنگ میان نیروهای حرفه ای جدا از جامعه نیست. دولت ها برای رسیدن به پیروزی و غلبه بر دشمن نیازمند بسیج همه نیروها و توان صنعتی، اقتصادی و اجتماعی خود و هدف قرار دادن تمام اهداف نظامی، اقتصادی، صنعتی و شهری دشمن هستند. آنها همه ظرفیت نظامی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور را برای مقابله با دشمن بسیج می کنند. سوم اینکه جنگ های امروزی همراه با بعد نظامی دارای ابعاد روانی است که خود متأثر از گسترش نقش مردم در حکومت ها از یک طرف و گسترش ارتباطات از سوی دیگر است که به راحتی نه تنها مردم کشور خود بلکه مردم کشور طرف دیگر جنگ و مردمان سایر کشورهای جهان را نیز مورد خطاب قرار داده و متأثر می سازد.

در مورد جنگ ایران و عراق علاوه بر عوامل فوق چند عامل دیگر نیز در گسترش ابعاد اجتماعی جنگ موثر بود. این موارد به اختصار به شرح زیر است: عراق زمانی جنگ را علیه ایران آغاز کرد که هنوز حکومت برخاسته از انقلاب اسلامی نتوانسته بود پایه های حکومتی خود را تحکیم بخشد و بر بحران های پس از انقلاب غلبه کند. اما در همین حال جمهوری اسلامی ایران حکومتی مردمی و برخاسته از انقلاب گسترده مردم بود. مردم ایران در شکل گیری و پیروزی انقلاب، سرنگونی رژیم شاه و تاسیس جمهوری اسلامی نقش اساسی داشتند. آنها خود را مسوول حفظ و تحکیم نظام می دانستند و به صورت گسترده حاضر به پرداخت هزینه های این اقدام جمعی بودند. مردم ایران در طول جنگ در قالب دو نهاد سپاه پاسداران و بسیج در مقابله با دشمن و پیروزی در میدانی جنگ نقش اساسی ایفا کردند. همچنین آنها به شیوه های دیگر از جمله کمک های مالی و

مادی و تحمل خسارت های مستقیم و غیرمستقیم در جنگ مشارکت می کردند و جنگ در همه سطوح و ابعاد زندگی ایرانیان کم و بیش حضور داشت.

همچنین ماهیت ایدئولوژیک انقلاب اسلامی از یک سو و تعارضات مذهبی، زبانی، و قومی بین ایران و عراق از سوی دیگر که در تشویق رژیم بعثی عراق در حمله به ایران و بسیج مردم دو کشور به ویژه ایرانیان برای مقابله با تجاوز عراق نقش اساسی داشتند، موجب گسترش تأثیرات و پیامدهای اجتماعی جنگ بر جامعه ایران شد. ایدئولوژیک و مردمی بودن نظامی سیاسی ایران و تلاش قدرت های بزرگ برای منزوی کردن آن باعث شد تا جمهوری اسلامی ایران راهبرد نظامی خود را در مقابله با توان عراق و حمایت گسترده کشورهای منطقه و ابرقدرت ها از آن، بر توان و ظرفیت های مردمی خود استوار سازد. توان جمهوری اسلامی ایران در جنگ بر حمایت مردم و پشتیبانی مادی و معنوی آنها از جنگ استوار بود. بدون حمایت مردمی، جمهوری اسلامی ایران نمی توانست در برابر عراق که از هر سو مورد حمایت بود، مقاومت کرده و آن را به عقب نشینی وادار کند.

بدین ترتیب جنگ ایران و عراق علاوه بر اینکه جنگی مبتنی بر توان و برنامه ریزی نظامی دو طرف جنگ بود، جنگی اجتماعی هم محسوب می شد. جامعه ایران و عراق در سطوح گوناگون درگیر آثار مستقیم و غیرمستقیم جنگ بود. جنگ بر حیات اجتماعی مردم تأثیر گذاشت و آن را به سمت و سویی هدایت کرد و مردم ایران هم با کمک ها و اقدامات خود به روند تحولات جنگ شکل دادند. تأثیر متقابل جنگ بر نگرش و رفتار اجتماعی مردم ایران و تأثیر مردم بر روند تحولات جنگ موضوعی ملموس در تاریخ جنگ است اما این روند تنها به هشت سال محدود نمی شود و پیامدهای آن بعد از آن هم به نحوی دیگر تداوم یافت.

ابعاد نظامی و سیاسی جنگ ایران و عراق در طول سال های اخیر مورد توجه صاحب نظران بوده و کم و بیش مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. اما ابعاد و آثار و پیامدهای اجتماعی جنگ کمتر مورد توجه و بررسی قرار گرفته و از شیوه جامعه شناختی برای تجزیه و تحلیل رویدادها و تحولات آن کمتر استفاده شده است. این بی توجهی به ابعاد اجتماعی جنگ و یا تجزیه و تحلیل جامعه شناسانه آن به معنی بی اهمیت بودن این بُعد از جنگ و یا کم تأثیر بودن آن در حیات اجتماعی ایران نیست. فقدان توجه به بعد اجتماعی از جنگ را در چند عامل می توان خلاصه کرد: نخست اینکه بررسی های جامعه شناسانه در جمع آوری داده ها عموماً از روش میدانی استفاده می کنند. این روش اغلب در خصوص تحولات و مسایلی است که در حال وقوع هستند. در دوره جنگ ها خطرات ناشی از جنگ بررسی های میدانی را با مشکلات و مسایل غیرقابل حلی روبرو می سازد و امکان جمع آوری داده های میدانی را با مشکلات اساسی روبرو می کنند.

در دوره جنگ مسایل جاری و حل و فصل آنها در اولویت مراکز تصمیم گیری و سیاست گذاری قرار دارد. در حالیکه بررسی های جامعه شناسانه عموماً بر مسایلی تأکید دارند که گستره آنها سطح جامعه و رفتار و نگرش مردم عادی است. این موضوعات عموماً مسایلی با اهمیت فوری نیستند و در نتیجه مخاطبان اندکی می توان برای این نوع بررسی ها یافت. بررسی های جامعه شناسانه بر موضوعاتی تأکید دارند که کمتر مورد نیاز مراکز تصمیم گیری است.

فقدان داده های اولیه جامعه شناسانه از زمان جنگ کار تحقیق جامعه شناختی را با مشکل روبرو می کند. در این نوع بررسی ها، جامعه شناس ناگزیر است از منابع دست دوم استفاده کند که معمولاً ناقص هستند. نقص داده های میدانی موجب مخدوش شدن نتایج تحقیق می شود. بنابراین معمولاً جامعه شناسان علاقه اندکی به این حوزه پژوهشی نشان می دهند. با وجود این دست کم بررسی جامعه شناسانه پیامدهای جنگ با استفاده از همان شیوه ها همچنان عملی و میسر است.

در نهایت بررسی های جامعه شناسانه به دلیل ماهیت این روش پرهزینه است و موقعی که بحث تاریخی است، هزینه آنها فزون تر هم می شود. روش های میدانی نیازمند تربیت و تأمین نیروهای آموزش دیده زیادی است که در مورد جنگ ایران و عراق به دلیل تاریخی بودن آن بیشتر هم می شود. اما در عمل این حوزه کمتر مورد توجه قرار گرفته و هزینه اندکی برای آن در نظر گرفته شده است.

به طور کلی نیاز به اتخاذ تصمیمات فوری در جنگ، نوعی بیزاری اولیه اجتماعی از جنگ در دوره بعد از پایان جنگ، یافته های اندک و محدود روش جامعه شناختی، کمبود منابع و هزینه های زیاد این روش موجب فقر تحقیقات جامعه شناسانه از جنگ ایران و عراق شده است.

اما دلایل فوق به معنی بی نیازی از این تحقیقات و عدم امکان عملی آن نیست. نیاز به بررسی های جامعه شناختی جنگ و تأثیر ماندگار مردم در جنگ ایران و عراق و نقش تعیین کننده مردم در تحولات ملی، لزوم توجه به نقش مردم در جنگ های آینده، ایجاب می کند که توجه ویژه ای به این بعد از جنگ صورت بگیرد. برخی از داده های مورد نیاز این نوع بررسی ها در اسناد، کتاب ها، روزنامه ها، گزارش ها و خاطرات آن دوره قابل جستجو و دستیابی است. این داده ها با توجه به ابزارها و برنامه های رایانه ای جدید قابل پردازش هستند و می توان به نتایج قابل قبولی دست یافت. آغاز این نوع بررسی ها ضروری است و با شروع کار «خود راه نشان خواهد داد که چگونه باید رفت».

این شماره فصلنامه نگین ایران بررسی جامعه شناسانه جنگ ایران و عراق را مورد توجه قرار داده و به رغم همه کاستی ها و مشکلات موجود، در این مسیر پر سنگلاخ گام گذاشته و امیدوار است که به همت نویسندگان، جامعه شناسان و صاحب نظران گام های بزرگ تری در این راه برداشته شود. مقاله نخست به پیامدهای جامعه شناسانه جنگ بر زندگی اجتماعی مردم ایران در دوره پس از پایان جنگ ایران و عراق می پردازد. در این مقاله با نگاه به جنگ ایران و عراق دو موضوع و پدیده اجتماعی درباره دوره پس از جنگ، مورد توجه و تأکید قرار گرفته است: اول، پدیده روزمره شدن مرگ که در صورت تداوم و تعمیق می تواند به نهادینه شدن جایگاه مرگ در زندگی (مرگ اندیشی) منتهی شود و آثار خاص خود را به همراه دارد؛ دوم، تقسیم بندی ناراضیان از منطق و روند حاکم بر زندگی در دوره صلح و آرامش، به ویژه کسانی که می کوشند به نحوی آرمان ها و ارزش های دوره گذشته را احیا کنند.

مقاله دوم با استفاده از رهیافت جامعه شناسی تاریخی به بررسی و واکاوی جنگ ایران و عراق می پردازد. جامعه شناسی تاریخی به عنوان یک شاخه ترکیبی و حوزه میان رشته ای، نقطه تلاقی دو علم تاریخ و جامعه شناسی است که امروزه تحت عنوان رویکرد جامعه شناسی تاریخی به خصوص در روابط بین الملل شناخته می شود. نویسنده این مقاله تلاش دارد از منظر جامعه شناسی تاریخی به دو عنصر مهم شکل گیری کشور و هویت در چارچوب قلمرو سرزمینی ایران، بپردازد و کاستی نظریه های تقلیل گرایانه (جریان اصلی) در روابط بین الملل به مسئله مذکور را برطرف نماید. برخلاف مقاله اول که نگرش خرد به موضوع جنگ دارد و به پیامدهای بعدی از جنگ می پردازد، مقاله دوم نگرشی کلان به جنگ دارد و موضوع شکل گیری هویت کشور در یک بستر اجتماعی را در دوره جنگ بررسی می کند.

یکی از منابع مهم بررسی جامعه شناسانه جنگ ایران و عراق بررسی اسناد و نشریه های برجای مانده از آن دوره است. مقاله سوم مطالب روزنامه کیهان در سه ماهه اول آغاز جنگ را بررسی کرده است. در این مقاله اخبار منتشر شده در روزنامه درباره جنگ ایران و عراق از ابعاد مختلف با استفاده از روش کمی مورد تحلیل محتوایی قرار گرفته است. موضوعات اخبار منتشره در این برهه زمانی، منابع تأمین کننده خبر، سبک مطلب و همچنین واکنش احزاب و گروه های سیاسی متفاوت نسبت

به اخبار جنگ مورد تحلیل قرار گرفته تا در حد امکان بتوان به نگرش و چگونگی و نحوه ارائه خبر در این روزنامه دست یافت. یکی از آثار مستقیم جنگ بر زندگی اجتماعی مردم، حملات عراق علیه شهرها بود. حمله به مناطق مسکونی و غیرنظامی و آنچه به عنوان جنگ شهری معروف است، به دلیل آثار و تبعات گسترده خود همواره در متون مربوط به جنگ، دارای جایگاه خاصی بوده است. این مقاله به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که جنگ شهرها چه آثار و تبعاتی را برای جامعه ایران به دنبال داشت؟ در این راستا، هدف اصلی این تحقیق بررسی تبعات جنگ شهری از جنبه های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و روان شناختی می باشد. رهیافت مورد استفاده در این پژوهش، ترکیبی از رهیافت های فرهنگی، روانشناختی و جامعه شناختی است.

مقاله پایانی این مجموعه به مناسبات ایران با فرانسه، موضع، سیاست و عملکرد آن در برابر جنگ ایران و عراق می پردازد. جدا کردن عراق از اردوگاه شرق و تسلط بر سیاست های آن و کاهش نفوذ شوروی در این کشور، محور سیاست خارجی آمریکا در دوره جنگ سرد بود که عمدتاً توسط فرانسوی ها دنبال می شد. از دیگر مسائلی که جهت گیری فرانسه را رقم می زد حفظ و گسترش منافع اقتصادی اش در عراق بود که در این مقاله به آن اشاره شده است. فروش سلاح های پیشرفته به عراق، اقدامات آن در جریان جنگ نفت کش ها، جنگ سفارت خانه ها و پایان جنگ ایران و عراق محورهای اساسی دیگر این نوشته است.

یکی از جلوه های اجتماعی تلاش مردم در جنگ ایران و عراق کمک به مجروحین جنگ است که از سوی جامعه پزشکی و بهداری انجام می گرفت. بخش اسناد این شماره از مجله به چگونگی شکل گیری یگان بهداری سپاه و عملکرد آن در طول جنگ ایران و عراق می پردازد. بی شک یکی از نتایج ارزشمند جنگ، سازماندهی تدریجی سپاه پاسداران به عنوان یک سازمان کارآمد نظامی در طول ۸ سال دفاع مقدس بوده است. یگان ها و رسته های مختلف سپاه، از جمله واحد بهداری سپاه به طور تدریجی و در طول جنگ شکل گرفته و آبدیده شدند. در این سال ها در هر کجا که نیروهای رزمنده سپاه بودند، کمی عقب تر واحد بهداری نیز مستقر شده و به مداوای مجروحین جنگ می پرداخت. در طول جنگ تعدادی زیادی از کارکنان واحد بهداری به شهادت رسیدند و به رغم همه مشکلاتی که داشتند، خدمات ارزشمندی به رزمندگان ارائه دادند. استفاده گسترده عراق از سلاح های شیمیایی که هر بار موجب مجروح شدن تعداد زیادی از رزمندگان می شد، کار واحد بهداری را بسیار دشوار کرده بود. اسناد این شماره به بررسی عملکرد بهداری سپاه می پردازد.